

لقمان توتونچی...

دانشجوی دکترای جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی...

(این تحلیل صرفا دیدگاه نویسنده بوده و انتشار آن به منزله موضع رسمی انجمن نیست)...

پاسخ سوالات انجمن ژئوپلیتیک ایران در زمینه قرارداد ۲۵ ساله چین و ایران...

سوال اول:

کشور چین با موقعیت مرکزی به لحاظ دارا بودن توان و پتانسیل بهره برداری و حفظ منابع جغرافیای قدرت بدون شک قراردادهای بیشماری با کشورهای پیرامونی همچون ایران بسته و در حال اجرایی شدن دارد. بنابراین تعمیق و تعلق بدین قرارداد ۲۵ سال چین و ایران بلاشک به منافع آبی و ثابیه ای چین بستگی دارد.

سوال دوم:

روابط اقتصادی چین و امریکا با توجه به حجم مبادلات گسترده ای که دارد. تاثیر مستقیمی در روابط ایران و چین بجا خواهد گذاشت و با چراغ سبز امریکا است که امروزه چین این قرارداد را با ایران امضا کرده است و بدون شک بدون برجام و FATF این قرارداد ۲۵ ساله بین ایران و چین عملا راه بجایی نخواهد برد.

سوال سوم:

ایجاد روابط اقتصادی و تجاری ایران با چین قطعاً گامی رو به جلو به منظور بستن قراردادهای تجاری با سایر دول و یا اتحادیه اروپا برای ایران در پیش دارد. زیرا این گونه قراردادهای زمینه ساز اعتمادهای تجاری و اقتصادی در سطح بین الملل خواهد بود. لیکن منافع ملی ایران در هر شرایطی باید اولویت اول و آخر بازیگردانان قدرت سیاسی ما باشد.

سوال چهارم:

مناسبات چین و ایران به شرطی که منافع ملی ایران با توجه به موقعیت چین به لحاظ قدرت و موقعیت مرکزی این کشور نسبت به کشور پیرامونی ایران لحاظ گردد. بدون شک در آینده ای نزدیک در روابط دیپلماتی سیاسی و اقتصادی ایران با هند، پاکستان و کشورهای حوزه خلیج فارس خوب و مثبت ارزیابی خواهد شد.

اکنون که حلقه تحریمهای نابخردانه و ظالمانه اردوگاه غرب در مقابل ملت ایران به بهانه های واهی و متعدد روز به روز تنگتر شده و متأسفانه فشار حداکثری را بر اقشار اجتماعی علی الخصوص دهکهای پایین اجتماعی وارد نموده باید به دور از اتلاف وقت، انرژی و شعار پردازیهایی ذهنی و روانی.. با بصیرت کامل و حقیقی واقعیتهای اجتماعی امروزه کشوری را در تمامی سطوح آن به عینه دید و بجای کج اندیشی های منفعت طلبان جناحی و شخصی (منافع ملی) را چراغ راهنمای استراتژی صحیح، اصولی و ملی قرار داده تا در این برهه از زمان نیز دگرباره مردمان شایسته و لایق ایران زمین را در کمترین زمان ممکنه به ساحل امید و ارزشهای واقعی و راستین منافع ملی سوق داد...

در یک بررسی ساده در جریان تحریمها متأسفانه کشورهای (چین، هند، کره جنوبی و...) میلیاردها دلار به ملت ایران بدهکارند و به بهانه تحریم از بازپرداخت پول ملی سر باز میزنند و یا ریز دولت - ملت های حوزه خلیج فارس به همراه اعضای اوپک از جمله روسیه روز به روز بخاطر فروش افزایشی سهمیه ای نفت و مشتقات آن در اوپک و یا معاملات کلان بورسی در جهان و... میلیاردها دلار روزانه از غیبت و عدم حضور ایران سود می برند و قطعاً سیر صعودی منفعت طلبی های اقتصادی اینگونه کشورها در قالب شعارهای کتابی و به ظاهر انسان دوستانه، حسن همجواری و احساس همدردی با سایر ملل در جهان نخواهد گنجید و در واقع این سود و منفعت طلبی دولت - ملتها در سراسر جهان است که سیاست خارجی، دیپلماتی و استراتژی آنان را در ثانیه رقم خواهد زد.

ولی متأسفانه دولت مردان ما بدلیل کم توجهی به منافع ملی، عدم شفافیت در سیاستهای کلان ملی، نبود تشریک مساعی مردمی و... هر از گاهی در بازه های زمانی اندک بیشترین ضرر و زیانهای تاریخی را به منابع زیرزمینی و رو زمینی به همراه فشار حداکثری اقتصادی و اجتماعی بر مردمان خویش تحمیل میکنند.

ایران و چین:

قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین با توجه به لحاظ نمودن موارد و مباحث ذکر شده به همراه بهره برداری از منابع جغرافیایی

قدرت توسط چین با توجه به وزن و جایگاه ژئوپلیتیک جهانی چین بعنوان یک قدرت جهانی و نوظهور با ایران بعنوان قدرت منطقه ای و درجه 2 به همراه محدودیتهای گسترده ایران در زمینه بهره برداری و حفظ منابع جغرافیایی قدرت در سطح جهانی و منطقه ای نسبت به اژدهای آسیا یقیناً نمیتواند تأمین کننده منافع ملی و توسعه دهنده روزافزون ایران باشد، رقابتهای ژئوپلیتیکی و کشمکشهای جهانی فی مابین ایالات متحده و اروپا با قدرت نوظهور چین و روسیه از گذشته تا هزاره سوم امروزی ما بلاشک براساس منافع ملی این قدرتها شکل گرفته و در صورتی که ایجاب نماید هیچکدام از قدرتهای جهانی مذکور پایبند به قراردادهای سطح 2 با قدرتهای منطقه ای و ملی با سایر ملل در جهان نخواهند بود. لذا بستن قراردادهای دراز مدت با ابرقدرتهای جهانی با دارا بودن منابع جغرافیایی قدرت گسترده نسبت به دولت - ملت‌های سطح 2 هیچگاه فراهم کننده منافع ملی دولت - ملت‌های سطح 2 نخواهد بود. بنابراین سیاست منطقی و اصولی تمام دولت - ملت‌های سطح 2 در جهان را چنین حکم می نماید که منافع ملی دراز مدت خود را بر مبنای رشد و توسعه نیروی انسانی و بنیانهای تربیت نیروی انسانی درون چهارچوبهای مرزی و کشوری خود بنا نهاده و براساس منافع ملی آنان است که ایجاب کننده پیمان نامه ها و قراردادهای فی مابین دول را با سایر قدرتهای جهانی در مقاطع مختلف زمانی رقم خواهد زد و هر زمان که این ایجاب غیر ممکن گشت تمامی پیمان نامه های فی مابین بایستی و جهات و ارزش قانونی خود را در راستای تأمین منافع ملی از دست داده و یا بدست خواهد آورد.

راهکارها:

استراتژی درست، اصولی و منطقی در جهان چند قطبی کنونی دولت مردان تمام دولت ملت‌های سراسر جهان را بر یک قاعده ی کالی و بی استثناء در یک جمله کوتاه از بزرگمرد تاریخ ایران زمین (حافظ) چنین حکم می نماید: (با دوستان مروت با دشمنان مدارا)، عبارتی ساده چنین باید تفسیر نمود که؛ سیاست خارجه و دیپلماسی ملتها باید به دور از تنش و به روز و به سامان و کارآمد باشد، آنها در جهت منافع ملی با مشارکت حداکثری و مردمی خاصه در زمینه های حساس استراتژیکی و ملی همچون برجام و یا قرارداد ایران و چین ...

و قطعاً اینگونه قراردادهایی باید از طریق رسانی ملی، به سمع و نظر مردم رسانده شود و مردم در جریان کم و کیف امورات مهم کشوری قرار بگیرند، مسئولان دلسوز و واقعی مردم از جمله بزرگواران مجلس یازدهم نیز مسئولانه و دلسوزانه بخاطر صیانت از منافع ملی و کشوری به حساسیت موضوعات ملی و استراتژیهای ملی بیشتر از گذشته پی برده و با جدیت هر چه تمامتر بدان ورود نمایند و موکلان خویش را در مسائل و مباحث مهم و استراتژیکی و ملی بیشتر تشریک مساعی داده و به آرا و نظرات ولی نعمتان خویش از طریق همه پرسى های قانونی و نظرسنجی های علمی بها داده تا مردم نیز مسئولانه و صادقانه همچنانکه بوده و هستند یاری دهنده برنامه ها و سیاستهای کلان ملی در کنار مسئولان دلسوز و واقعی خود قرار گیرند.

